

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دین پر وه

پنجره‌ای گشوده
و دره‌ایی باز
برای گفتگو در فضایی آزاد



سید مهدی موسوی موشح

دی ماه ۱۳۸۳



دین‌پژوه

جوانان شبهات خود را مطرح می‌کنند
کارشناسان ما به آنان پاسخ می‌دهند
اما نه به روش مرسوم ... !

— ضرورت طرح:

در جهانی که شبهات فوج فوج بر اعتقادات هر دین و مکتبی که پذیرفته شده‌هایی از جهان ماوراء طبیعت در خود دارد وارد می‌آید و فلسفه‌ی کوتاه‌نگر فیزیک بر تمامی مفاهیم دستگاه‌های علمی آن حکومت داشته، غیر ماده را نفی می‌نماید، در جهانی که پروداکتیویتی محصول‌نگر حتی اومانیزم انسان‌محور را که شعار آغازین این تمدن بود، به کناری زده و به انسان نه به خاطر خود که برای تولید بیشتر و تنها به عنوان عنصری در چرخه‌ی تولید می‌نگرد و بهینه‌ی تولید و افزایش بهره‌وری ایجاد کرده در اعتقادات انسان نیز دست برد و آن را متناسب با گردش چرخ‌های تولید محصول تغییر دهد، طبیعی است که بشر مسلمان نمی‌تواند بپذیرد که توطئه - تنها - یک «توهم» باشد!

دشمن هست، تا تولید در جهان محور است. آن گونه که بود، مادام که جسم مادی انسان محور بود! تا «خدا محور» و اتکا به حول و قوه‌ی پروردگار به جای تکیه به قدرت‌های مادی اعم از ثروت و دانش و زور بازو بر اندیشه بشر امروزین حاکم نشده و آن را در زندگی خود به کار نبسته، گواهی بر وجود دشمن دادن عملی است که کس را از آن گزیر نیست، اگر خداپرست باشد و دین گریز نباشد!

آمده‌اند در پس گردن ما خیمه زده‌اند! دشمن منظور است، او که نمی‌خواهد سر به تن هیچ خداپرستی

ببیند. چه که از واضحات است مخالفت خداپرستی و شریعت با محصول محوری و اصالت سرمایه!

اینترنت را ساخته‌اند. پُلی انداخته‌اند از آتش‌گاه خود به میان خیمه‌گاه نیک‌اندیشان. راهی پرداخته‌اند که بی‌تقلاً آن چه بخواهند بی‌خواست رهبران ما و بی‌اطلاع مدیران به اطلاع جماعت رسانند و با ترفند و شعبده دینشان بزدايند و اعتقادشان زائل سازند و در این میان انسانی بسازند بریده از متافیزیک و بسته به فیزیک. توتمی بسازند و صَنَمی، نه از جنس سنگ و چوب و نه حتی طلا، بل از جنس عقلانیت، از جنس تفکر، از جنس دانش و اطلاع. این است هدف دگرانديشان بی‌پروا.

ما این هجمه را حس می‌کنیم. دکترین «شبیخون فرهنگی» را از این روست که برتابیدیم و تلاش در تلاشی این دستگاه شیطانی را به همین جهت در دستور کار خود قرار داده‌ایم. اما چه کنیم که بضاعت محدود و دانش اندک و توان ناچیز است و از سویی دیگر «شیطان الفقها، فقیه الشیاطین»!

دشواری انتخاب در محدوده‌ی نبرد که وسعت فراوان دارد، این که از کدام جبهه بر دشمن بکوبیم و از چه ابزار و سلاحی با چه گِرا و جهتی استفاده نماییم، همه با هم منضمّ به دلایلی دیگر سبب شده که هر یک «طریقی» برگزینیم و راهی بجوینیم تا بر سر کفر فرود آییم و اندکی از هجمه فرهنگی او بکاهیم. اگر چه این تشّت در سپاه فرهنگی اسلام مطلوب ما نیست و حکومت یک نظام هماهنگ بر درگیری در فضای سایبر برای پیروزی نهایی امری گریزناپذیر است و ما خود - با تلخی - به آن آگاهیم، اما چه باید کرد در زمانی که هنوز جبهه یک‌دست نشده و اتحاد، هماهنگی سپاه را فراهم نیاورده؟! چه کنیم که آگاهی دوستان اندک است و شیطنت دشمنان بسیار!

تکنیک جنگ در چنین زمانی پارتیزانی و چریکی است. «هر کس»، «هر جا»، «هر چه» ضربه توانست وارد می‌آورد، بی‌آن که منتظر دستور و مترصد هماهنگی با فرماندهی‌ای که نیست باشد! ما به تعداد مؤسّساتمان مبارز مستقل خواهیم داشت و اکنون تا حدّی این چنین است! جبهه‌های متعدّد در فضاهاى متعدّد.

تبیان، بلاغ، اندیشه قم، حوزه‌نت، انتظار نور، پارسی‌بلاغ، صبح، صالحین و چندی دیگر، هر کدام برای خود قلمروی ترسیم کرده‌اند برای جنگ. ابزاری انتخاب کرده و جهتی برگزیده و هدفی که آن را تعقیب می‌نمایند. این که کدام مفیدترند و کدام مؤثرتر کلامی نیست که بی‌تأمل بتوان بر زبان آورد و آمار کمی موجود چون به کیفیت ضمیمه نشده گویای هیچ واقعیتهایی نیست! و دست ما از تحقیق میدانی و آمارگیری کیفی و کمی - معاً - به شدّت کوتاه.

ایده‌ای به ذهن ما آمده. یعنی جبهه‌ای دیدیم که می‌توانیم در آن برزمیم و لکن هیچ رزمنده‌ای در آن ندیده‌ایم. احساس وجوب کفایی به ما دست داده است. درست مانند همان احساسی که وقتی مسلمانی وارد مجلس می‌شود و سلام بر جمع می‌کند و همه را در خون غلطیده می‌یابد به ما دست می‌دهد. نیرویی از درون به ما می‌گوید این سلام را تو باید پاسخ گویی، چون تو می‌توانی! و شاید تنها کسی باشی که می‌تواند!

— موضوع طرح:

موضوع طرح، تأسیس یک سیستم مباحثات گروهی است، از همان سیستم‌هایی که به آن فروم می‌گویند. روی اینترنت هم زیاد است. در ایران هم زیاد از آن‌ها درست کرده‌اند. مثل Iran developers یا Majid online یا Persian talk و خیلی دیگر.

موضوع این فروم هم «مباحث اسلامی» است، عده‌ای می‌آیند و تعدادی Topic با عناوین اسلامی تأسیس می‌کنند و سایر کاربران در این Topic ها مطالب و پرسش‌های خود را بی‌هیچ نظم می‌ریزند و دیگران نظر خود را Reply می‌کنند، در زیر هر مطلب یا هر پرسش. تمام داستان فروم‌هایی که در اینترنت وجود دارد همین است!

سه اشکال اساسی به این روش وارد است؛

— نخست؛ این که چه کنیم توجه مخاطبان جلب شود. چرا که می‌بینیم فروم در اینترنت زیاد است و جز معدودی کار باقی کساد. مباحث اسلامی چه کسانی را دعوت می‌کند؟! جذابیت آن در حد آموزش فلش و فتوشاپ نیست که بازار ما را مانند Majid online داغ نگاه دارد. یا مانند برنامه‌نویسی دلفی و VB آن‌قدر مبتلی به نیست که ما را مانند Iran developers مرجع برنامه‌نویسان آماتور قرار دهد.

— در ثانی؛ حالا آمدند و پرسش‌هایی مطرح کردند، جواب‌هایی هم خودشان به خودشان دادند، حرف‌های نادرست را چه کنیم. مباحث اسلامی فعلاً از موضوعاتی نیست که دشمن کم داشته باشد. جو را به هم می‌زنند و مانع شکل گرفتن فضای روحی و معنوی مناسب برای گفتگویی مفید می‌شوند.

— تازه؛ جلوی جوسازی‌ها را هم گرفتیم، شبهات بی‌داد می‌کند. اگر چهارتا شبهه آب‌دار مطرح کردند و ما هم ناگزیر شدیم اشتباهات رفتاری بعضی مراجع و علما را بپذیریم، چه که واقعاً خود نیز آن را اشتباه می‌دانیم، یا بعضی مسئولین یا حتی جریان‌ها و گروه‌های سیاسی، چون در مکتب ما که سیاست از دیانت جدا نیست، پس در بحث دینی هم بحث سیاسی گاهی گریزناپذیر می‌شود، چه کنیم؟! فردا بازتاب حرف ما را در

بوق و کرنا نمی‌کند؟! روزنامه‌ها سایت حوزه را مبلّغ اندیشه‌های روشنفکرانه و پایگاه معاندین نظام نخواهند نمایاند؟! جهت‌دهی بحث چگونه باید باشد؟!

بر اساس این سه شبهه بود که نویسنده چنین طرحی را ناشدنی می‌دانست و انجام آن را اتلاف وقت، امکانات و هزینه! آیا راهی هست؟!

راهی هست به شرط آن‌که سعه صدر بیشتری در دوستان و همراهان سراغ داشته باشیم. اگر ظرفیت تحمّل بعضی حرف‌ها و برخوردها را در مجموعه مدیران خود ببینیم، آن‌گاه می‌توانیم به دنبال راهی برای برون‌رفت از این سه چالش باشیم. راهی هست! همیشه برای اعلای کلمه حق راهی هست!

— درون طرح:

جالب است که اگر دقت کنیم، می‌بینیم اشکال سوّم پاسخ اشکال اول را در خود دارد! اگر فضا به حدّی آزاد باشد که پرسش‌ها بی‌دغدغه طرح شده و از روی انصاف به شبهات پاسخ داده شود، استقبال از سوی همه آنان که با شبهات روز مواجه شده‌اند و کم هم نیستند «حتمی‌الوقوع» خواهد بود.

البته غفلت از تبلیغات نخواهد شد. تعدادی مورد تبلیغاتی در میادین مهم تهران و بعضی شهرستان‌های مهم کار را رونق خواهد داد. تبلیغات اینترنتی هم بی‌فایده نیست.

اما ساختار درونی کار این‌گونه است که بعد از تعیین عناوین اصلی Topic ها، تعدادی Moderator یعنی میانجی مانند آن چه که در سایر فروم‌ها رسم است انتخاب خواهد شد. این میانجی‌ها طلبه‌هایی هستند که مرحله‌ای از گزینش را گذرانده باشند و تأیید مسؤول گزینش ضمیمه پرونده آنان باشد.

آئین‌نامه‌ای به صورت مقدماتی تهیه می‌شود و در اختیار میانجی‌ها قرار می‌گیرد. در این آئین‌نامه که داخلی و محرمانه می‌باشد، روش برخورد و قوانین حاکم بر مذاکرات درون فروم ذکر شده است. میانجی موظف است مطابق این آئین‌نامه عمل نماید.

وظیفه میانجی در آئین‌نامه این‌گونه معین شده است که او فردی است از اعضای فروم مانند سایر اعضا که - به ظاهر - به جهت فعالیت بیشتر امتیاز بالاتری گرفته، در همه گفتگوها دخالت می‌کند و نظر خود را بیان می‌نماید. برای همه اعضا پیام می‌فرستد؛ از پیام‌های عمومی گرفته تا خصوصی و پنهانی. از طریق ایمیل نیز با بعضی مرتبط می‌شود، آنان که نیاز به کار بیشتر رویشان احساس شود.

راحت و در یک جمله:

«میانجی نگو، استاد اخلاق بگو»

به این معنا که باید یک یک افراد را دستگیری کند و اطلاعات متناسب را در اختیارشان نهد. با هر

کدام جداگانه دوست شود و هر چه می‌تواند به او کمک نماید.

آن چه فروم ما را از سایر فروم‌ها متمایز می‌سازد Document کردن است. همه چیز ثبت شده و بایگانی می‌شود. ابتدا به صورت کتبی و بعد به صورت الکترونیکی. هر میانجی موظف است در پایان روز کاری خود، فرم‌های گزارش مربوط به خود را تکمیل نماید. در این فرم‌ها سرفصل مباحث طرح شده و اعضای جدید و فعالیت‌های عمده اعضای قدیمی و همچنین عناوین جدیدترین شبهات و بسیاری دیگر از نکات مهم همه با هم ثبت می‌شود. فرم‌ها که تحویل شد، میانجی می‌تواند برود خانه بخوابد!

همه میانجی‌ها در ارتباط با «مدیریت پژوهش» فروم می‌باشند. این مدیریت با تمام پرسنل خود موظف است پاسخ پرسش‌ها و شبهات را جمع‌آوری نماید و در اختیار میانجی گذارد.

مدیریت پژوهش دو بخش دارد؛ دایره «جمع‌آوری» و دایره «تطبیق». خیلی از شبهات را «اندیشه قم» قبلاً پاسخ گفته، خیلی را «تبیان» و مانند آن‌ها چندتایی هستند. لازم نیست همه پژوهش‌ها را خود ما انجام دهیم. بخش جمع‌آوری از طریق ارتباط با این مراکز پاسخ‌ها را دریافت خواهد کرد. اگر هم پاسخ نداشتند، می‌تواند به همین مراکز سفارش دهد تا پژوهش کنند و پاسخ بیاوند.

ما بنا نداریم که یک مجموعه محقق دور خودمان گردآوریم و عین کار آن‌ها را دوباره انجام دهیم. پژوهش کردن را به مراکز پژوهشی وا می‌گذاریم و تنها ارتباط با آن‌ها و سفارش دادن و گرفتن را به عهده بخش جمع‌آوری پژوهش‌ها می‌گذاریم.

بخش تطبیق است که یک کار تازه است. هیچ جا ندارند و باید خودمان بسازیمش. اطلاعات میانجی‌ها مطالعه می‌شود، با استفاده از تحصیلات اعضای آن Topic و مجموعه شبهات سابق آن‌ها و روند بحث در آن فضا، تطبیق‌گران پژوهش‌گرانی هستند که بهترین پاسخ را از میان چند جوابی که می‌توان به شبهه داد انتخاب می‌کنند و آن را در قالب بهترین کلماتی که تفاهم با آن اعضا را آسان کند بیان می‌نمایند.

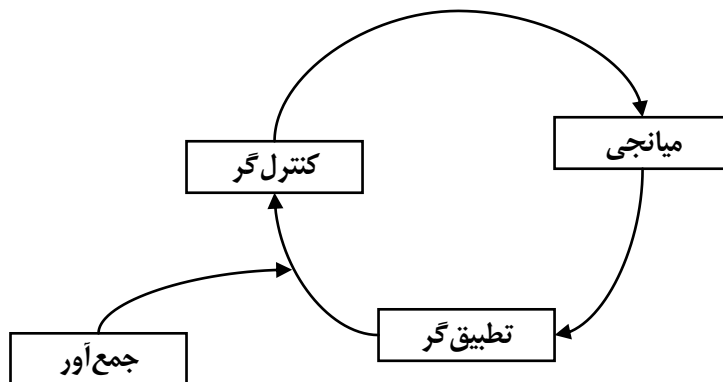
میانجی پاسخ را می‌گیرد و Reply می‌کند. نتیجه را نیز مجدداً در گزارشات خود ذکر می‌کند که به دست تطبیق‌گران می‌رسد. همه این اسناد نیز بایگانی شده وارد بانک اطلاعات می‌گردد.

کنترل‌گرها کسانی هستند که این بانک‌ها را می‌کاوند و روند فعالیت تطبیق‌گرها و میانجی‌ها را بررسی می‌کنند و به آن‌ها امتیاز داده، اشتباهات آن‌ها را گوشزد می‌نمایند.

این امتیازها مستقیماً در رتبه این اعضا تأثیر گذارده و حقوق آن‌ها را بالاتر می‌برد. عناوینی برای سطوح و مراتب این رتبه‌ها تعیین خواهد شد که در کنار اسامی این افراد نوشته می‌شود.

در خود فروم نیز تغییر رنگ یا ستاره برای یک میانجی نشانه رتبه او خواهد بود. این نکته به کاربر کمک می‌کند تا از میان میانجی‌ها آن را که قدرت پاسخگویی بیشتر دارد برگزیند و با او مراوده داشته باشد.

اساس فعالیت در این سیکل و چرخه میان میانجی، تطبیق‌گر و کنترل‌گر و پشتیبانی آن از سوی جمع‌آور ایجاد محیط «ولایت»، «سرپرستی» و «دستگیری» از آوارگان دنیای عقلانیت است، آنان که سخت محتاج یاری راهبران هستند و مگر نه این است که یکی از مصارف وجوهات شرعیّه «ابن السبیل» است؟!



نرم‌افزار مدیریت چنین بانک اطلاعاتی تحت شبکه و مبتنی بر وب نوشته خواهد شد. کد همه اعضا و افراد در کنار گزارشات آن‌ها با ذکر تاریخ حفظ می‌شود. انواع گزارش‌گیری‌ها با تنوع بسیار بالا از ویژگی‌های مهم این نرم‌افزار است.

البته پیش از تهیه نرم‌افزار ابتدا فرم‌های مربوطه باید یک به یک تهیه شود. فرم‌هایی که هر کدام از پرسنل با کمک آن‌ها گزارشات خود را ارائه می‌نمایند.

آئین‌نامه‌ها نیز باید تدوین شود، برای هر کاری. البته این آئین‌نامه‌ها در مراحل بعدی کار، با پیشرفت کار و کسب تجربه، بهینه‌سازی خواهد شد.

قرار نیست هیچ چیز در این کار ثابت و لایتنغیر باشد، جز هدف و جهت اصلی پروژه!

— بیرون طرح:

چیزی که از بیرون پیداست یک فروم معمولی است. مانند سایر فروم‌های اینترنتی! کاربر چیزی نمی‌بیند جز این که «آدم‌های خوب» در این فروم عضو هستند و به نفع اوست اگر با آن‌ها مراوده داشته باشد. جواب‌هایش را می‌دهند و چه خوب هم!

کاربر جز این هیچ نمی‌بیند. البته او می‌بیند که بعضی اعضای ممتاز که بسیار از بقیه فعال‌ترند شده‌اند میانجی یا Moderator. او هم می‌تواند فعالیت خود را زیاد کند و امتیاز بیشتری بگیرد.

اگر هم حرف خلافی زد، می‌داند که میانجی‌ها می‌توانند فعالیت او در فروم را متوقف سازند. ولی برای این که یک نفر عضو فروم شود باید یک واسطه پیدا کند. درست مانند اورکات!

اشکال یک حل شد. اشکال سه نیز با جهت‌دهی میانجی و مکانیزم پژوهش بر طرف گردید. اما اشکال دوم را «معرف» حل می‌کند. هر عضو باید یک معرف داشته باشد، تا وقتی که فحاشی کرد، معرف او بازخواست شود.

معرف می‌تواند کسانی را که توصیه کرده و وارد سیستم نموده از سیستم خارج کند و فعالیت آن‌ها را موقتاً قطع نماید.

فرض این است که ما هیچ عضوی را خود اخراج نمی‌کنیم. معرف‌ها را فقط از شان امتیاز کم می‌کنیم و وقتی یک نفر ببیند به خاطر دیگری دارد از او امتیاز کم می‌شود، عضویت او را معلق کرده و یا اساساً لغو می‌نماید. سیستم خودش خودش را از بی‌ادبی حفظ می‌نماید.

البته میانجی‌های ما در ابتدا مهم‌ترین معرف‌ها خواهند بود. لذا در حقیقت هیچ تغییری در سیستم عضویت - در واقع - صورت نخواهد گرفت. تنها نکته این است که کاربر احساس می‌کند اگر بی‌ادبی کند، دیگری که لطف کرده و او را معرفی کرده ضرر خواهد کرد، همین.

— مقدمات طرح:

آن چه درصدد بیانش بودیم، در این مختصر، نمای کلی یک پروژه بزرگ بود. پروژه‌ای که اهداف والایی در خود دارد و در موضوع خود ممتاز و منحصر بفرد است. نه مانند آن تا به حال در کشور کار شده و نه به زودی کاری این چنینی از کسی مشاهده خواهد شد. چرا که غالب مؤسسات ما ظرفیت این میزان ریسک‌پذیری را ندارند. البته نمی‌خواهیم بگوییم که به خاطر تحجر است، نه، تنها منظورمان همان گزاره معروف است که «شیطان الفقها، فقیه الشیاطین»!

نه انتقادی از کسی می‌کنیم و نه قصد داریم ناتوانی دیگران را به رخ کشیم. به روش چریکی در جبهه‌ای به وسعت یک دنیا ما نیز دشمنی یافته و اسلحه‌ای جسته‌ایم، می‌خواهیم آن دشمن را با این چوب بزنیم تا آن‌جا که می‌دانیم و می‌توانیم.

اطمینان داریم که مولایمان و صاحب عصر و زمانمان کاری را که در راستای اعتلای کلمه حق ببیند از امداد و یاری خویش دریغش نمی‌دارد و کاری که مورد امداد او باشد، شکستش ممتنع است!

منظور این‌که تنها اصل ایده و نگاه و هدف اصلی در این نوشتار آمده که اگر مقبول افتد، ریز طرح و فعالیت‌ها و البته هزینه‌ها و نیروی انسانی لاجرم باید به تفصیل محاسبه و ثبت و ضبط شود و آغاز کار بی‌تردید منوط به آن خواهد بود.

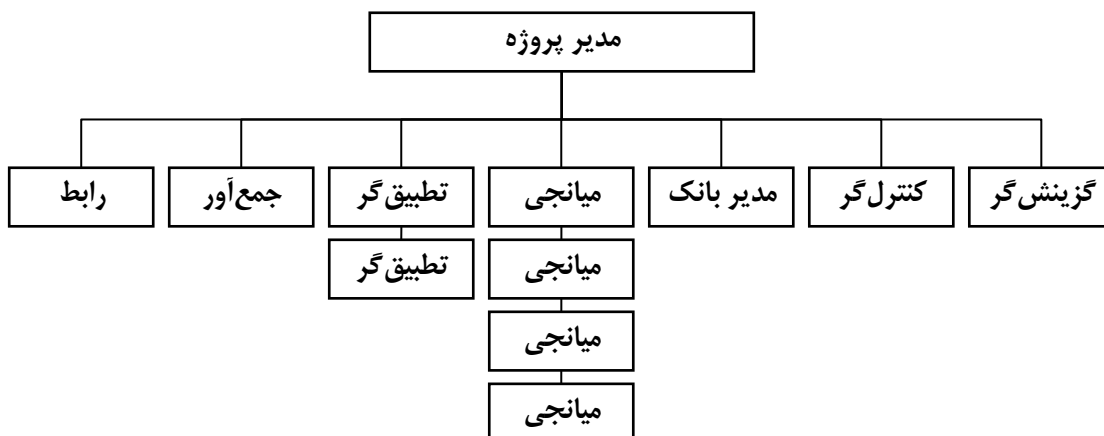
پس از طرح تفصیلی، اگر آغاز کار تأیید شده و بودجه لازم تأمین، نوشتن آئین‌نامه‌ها و طراحی فرم‌ها در اولویت یک است و بعد از آن طراحی نرم‌افزار و گزینش و آموزش نیروی انسانی در اولویت دو. در مرحله سوم نیز کار اجرایی و فعالیت فروم آغاز خواهد شد.

نرم‌افزار منظور بانک اطلاعات داخلی شبکه‌ای است. چه که آقایان یک فروم از پیش طراحی شده را برای نصب روی سایت و اینترنت انتخاب کرده‌اند. در آن بحثی - فعلاً - نیست.

پس، پس از پذیرش این طرح مقدماتی هنوز راه زیادی تا آغاز کار مانده است!

— سازمان طرح:

اگر چه طرح تفصیلی «محتوا»، «برنامه» و «سازمان» مورد نیاز برای پیاده‌سازی این سیستم را با دقت بالا معین خواهد کرد، ولی بی‌مناسبت و بی‌ثمر نیست که نگاهی اجمالی به سامانه تشکیلاتی این طرح بیان‌داریم.



مدیر بانک وظیفه گزارش‌گیری و حفظ نرم‌افزار داخلی و سرپس‌دهی به میانجی‌ها و سایر اعضای داخلی را دارد. رابط نیز وظیفه هماهنگ کردن کارها میان میانجی‌ها و تطبیق‌گرها و سایر پرسنل و نامه‌رسانی و گرفتن و دادن پیام‌ها و کلیه امور خدمات ارتباطی در درون پروژه با اوست.

سایر اعضا نیز وظایفشان تقریباً مشخص شده.

آن چه می‌ماند، در پایان این طرح، آرزوی قبولی انجام شده‌هاست. امیدواریم که این حرکت ناچیز در همین حد نوشتن طرح مقدماتی، مورد رضای امام عصر ارواح‌العالمین‌لتراب‌مقدمه‌فداء قرار گیرد، با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد اللهم صل علی محمد و آل محمد.

خاتمه: روز ولادت حضرت ثامن‌الحجج علی‌بن‌موسی‌الرضا علیه‌السلام - سنه ۱۴۲۵